

بازتاب‌های سیاسی مهاجرت‌های بین‌المللی از خاورمیانه به اروپا

دکتر ابراهیم رومینا - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
سیده زهرا علوی شوشتری - دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳

چکیده

جابه‌جایی انسان در فضای جغرافیایی که بعنوان مهاجرت از آن یاد می‌شود، به شکل داوطلبانه یا اجباری است. در سال‌های اخیر، منطقه خاورمیانه به واسطه جنگ‌ها و منازعات در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه، یمن و مصر؛ و ظهور گروه‌های افراطی با چالش مواجه شده است. به همین دلیل بخش گسترده‌ای از شهروندان این منطقه به سایر مناطق جهان که از ثبات سیاسی و وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردارند، مهاجرت کرده‌اند. قاره اروپا یکی از مقاصد اصلی این مهاجرت‌ها بوده است. از همین‌رو بررسی بازتاب‌های سیاسی آن در اروپا مسئله پژوهش حاضر است. این تحقیق با استفاده از روش، توصیفی - تحلیلی انجام شده، شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده که با استفاده از اسناد، مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با ورود مهاجرت‌های گسترده در اروپا بویژه موج مهاجرت‌های اخیر، قدرت‌گیری روزافزون احزاب راست، خشونت نسبت به مهاجران، تشدید ملی‌گرایی و حساسیت‌های ناشی از آن و در نهایت رشد اندیشه‌های واگرایانه در اتحادیه اروپا از پیامدهای مهاجرت‌های گسترده به اروپا است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، خاورمیانه، اروپا، بازتاب سیاسی.

۱. مقدمه

مهاجرت یا کوچ کردن همواره یکی از راه‌هایی بوده که انسان را برای سازگاری با محیط و فایق آمدن بر دشواری‌ها کمک کرده است (Salehi Amiri, 2009:42). این حرکت، پس از ساکن شدن انسان‌ها نیز ادامه یافته، اما علل و محرک‌های آن تغییر کرده است. کاربرد واژه مهاجرت، از کشوری به کشور دیگر و یا حتی در درون یک کشور نیز متفاوت است (Zarqani and Mousavi, 2013:9). مهاجران بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های باارزش فرهنگی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند (Shabanlou, 2001:14). جمعیت‌شناس فرانسوی، رولان پرسا (۱۹۸۵)، مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد. به نظر وی در تحلیل حرکات مهاجرتی به سه نکته باید توجه کرد: الف) دائمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید؛ ب) وجود فاصله مکانی؛ ج) وجود فاصله زمانی و زمان انجام مهاجرت (Zanjani, 2001:6). فرآیند مهاجرت شامل جابه‌جایی از یک مکان به مکان دیگری است که مکان دوم در اغلب موارد بهتر به نظر می‌رسد (Dubey and Mallah, 2015:228). مهاجر نیز شخصی است که از یک مکان به مکان دیگر، برای یافتن شغل یا شرایط زندگی بهتر حرکت می‌کند (Oxforddictionaries.com and UN, 1998:9). یکی از مهم‌ترین ملاک‌های طبقه‌بندی مهاجرت، انگیزه یا محرک است که فرد را به حرکت از مکانی به مکان دیگر وا می‌دارد. این ملاک می‌تواند در مبدا و مقصد ریشه داشته باشد. جدول (۱) انگیزه‌های مهاجرت را ارائه می‌دهد.

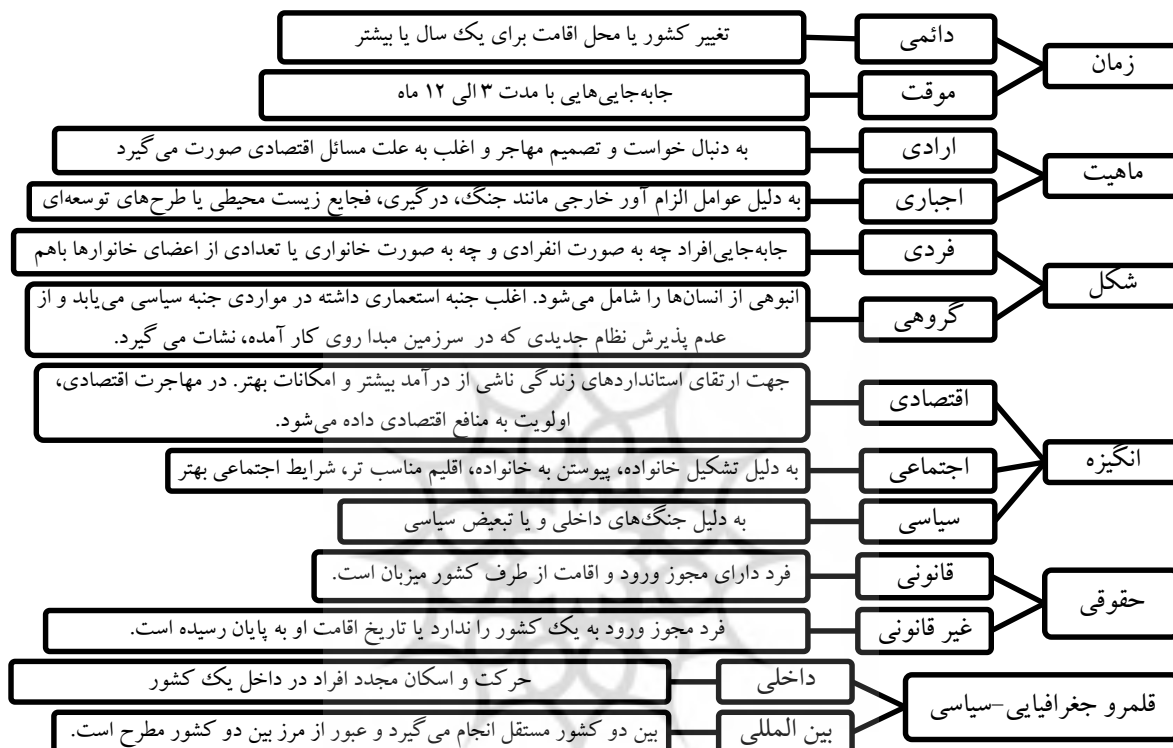
جدول (۱): انگیزه‌های مهاجرت

انگیزه	عوامل دافعه	عوامل جاذبه
اقتصادی و جمعیت‌شناختی	نبود فرصت‌های شغلی، فقر، بیکاری، نرخ باروری بالا، جمعیت رو به افزایش، تورم، عدم تناسب درآمد با هزینه، مشکل مسکن و وسیله نقلیه	فرصت‌های شغلی مطلوب، دورنمای دستمزد بالاتر، پتانسیل بهبود سطح زندگی، رشد شخصی و حرفه‌ای، فقدان سلامت عمومی و آموزش و پرورش، استقلال در کار و آزادی شغلی
سیاسی	مناقشه، خشونت، حکومت ضعیف، فساد، نقض حقوق بشر، جنگ، ناامنی سیاسی، عدم ثبات سیاسی، عدم آزادی سیاسی، نارضایتی از عملکرد نهادهای حکومتی، انقلاب، کودتا، نبود فضای مناسب فعالیت سیاسی	ایمنی و امنیت، آزادی سیاسی، نظم عمومی، دموکراسی، شفافیت، ثبات سیاسی
فرهنگی اجتماعی و فرهنگی	تبعیض بر اساس قومیت، جنسیت، مذهب و مانند آن، نگرانی از آزار و شکنجه بر اساس عوامل نژادی، مذهبی یا سیاسی، توزیع نامتوازن ثروت، عدم امنیت در جامعه، کمبود امکانات زندگی، عدم امکانات پژوهشی و آموزشی، پایین بودن کیفیت نظام آموزشی، سطح بالای جرم و جنایت، اختلافات قومی، خدمت سربازی، فساد اداری، نبود شناسنامه‌سالاری، افزایش فاصله طبقاتی	رهایی از تبعیض، امکانات بهتر بهداشتی و آموزشی، زیرساخت‌های خوب، بیمارستان‌های عالی، استانداردهای بالای زندگی، جذابیت جامعه مقصد، دوستان و خویشاوندان، مهاجرپذیری، قوانین مهاجرتی آسان، ادامه تحصیل، میل به تغییر و ترقی در زندگی، وجود امکانات تفریحی بیشتر
زیست‌محیطی	آلودگی، خشکسالی، شرایط آب و هوایی نامساعد، کمبود آب، زلزله، سیل، آب، آلودگی آب، کمتر	اقلیم مناسب، زمین‌های زراعی خوب، خطرات طبیعی

Sources: (Moqadas and Sharafi, 2009), (Seifi and Khaleginejad, 2016), (Zarqani et al,2016), (Mansoor and Quillin, 2006), (Dubey and Mallah, 2015)

تقسیم‌بندی دیگری از مهاجرت را نیز بر مبنای زمان، ماهیت، شکل، انگیزه، حقوقی، قلمرو جغرافیایی - سیاسی در نظر گرفت که در شکل (۱) آمده است.

شکل (۱): مهاجرت مبنای زمان، ماهیت، شکل، انگیزه، حقوقی و قلمرو جغرافیایی - سیاسی



Source: (unesco.org and refugeesmigrants.un.org), (Wickramasinghe and Wimalaratana, 2016), (Zarqani et al, 2016), (Hanlon and Vicino, 2015).

هر ساله جابجایی‌های گسترده جمعیتی در سراسر جهان اتفاق می‌افتد (جدول ۲) و این از روند رو به گسترشی برخوردار است که تابع تحولات مبدا و جذابیت‌های مقصد است.

جدول (۲): مناطق مقصد مهاجران (+ پناهندگان) بین‌المللی

مناطق مقصد مهاجران بین‌المللی		تعداد مهاجران بین‌المللی (هزار نفر)		درصد مهاجران بین‌المللی از کل جمعیت		متوسط سن مهاجران بین‌المللی (سال)
۲۰۱۷	۲۰۰۰	۲۰۱۷	۲۰۰۰	۲۰۱۷	۲۰۰۰	۲۰۱۷
۱۷۲,۶۰۴	۱۰۰,۴۰۵	۲۵۷,۷۱۵	۱۶۴,۸۴۷	۳,۴	۲,۸	۳۹,۲
کشورهای با درآمد بالا	۱۰۰,۴۰۵	۱۶۴,۸۴۷	۱۰۰,۴۰۵	۱۴,۱	۹,۶	۴۰,۶
کشورهای با درآمد متوسط	۶۴,۰۴۲	۸۱,۴۴۰	۶۴,۰۴۲	۱,۴	۱,۴	۳۷,۳
کشورهای با درآمد پایین	۷,۷۳۳	۱۰,۹۱۵	۷,۷۳۳	۱,۶	۱,۸	۲۹,۸

Source: (United Nations, International Migration Report, 2017:25)

واژه دیگری که در ارتباط با تغییر مکانی انسان مورد استفاده است، واژه پناهجو است. پناهجویان افرادی هستند که به دنبال حمایت بین‌المللی از مرز عبور کرده، تقاضای پناهندگی کرده‌اند و در انتظار مشخص شدن وضعیت پناهندگی خود هستند (unesco.org). این مفهوم خود دارای دو شکل: ۱. پناهجویی سرزمینی؛ ۲. پناهجویی در خارج از قلمرو دولت است (Ardalan, 2008: 423-425; Qari Seyed Fatemi, 2009). جدول (۳) برخی داده‌های مرتبط با مهاجرت از نوع اجباری را نشان می‌دهد.

جدول (۳): مهاجران اجباری و پناهندگان، آمار سال ۲۰۱۷

۲۵۸ میلیون مهاجر (+ پناهنده) در سراسر جهان وجود دارد که ۳,۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.				
روزانه ۴۴۴۰۰ نفر به طور اجباری جابه‌جا می‌شوند				
به طور کلی ۶۸,۵ میلیون نفر در جهان به طور اجباری جابه‌جا شده‌اند (در نتیجه آزار و اذیت، درگیری و خشونت‌های سازمان یافته)				
۲۵,۴ میلیون پناهنده در جهان وجود دارد که از این میان:				
۱۹,۹ میلیون پناهنده تحت سرپرستی کمیساریای عالی پناهندگان هستند.		۵,۴ میلیون پناهنده فلسطینی تحت سرپرستی آژانس امداد و اقدام سازمان ملل در خاور نزدیک هستند.		
بیش از دو سوم (۶۸ درصد) از کل پناهندگان جهان از پنج کشور می‌آیند:				
سوریه ۶,۳ میلیون	افغانستان ۲,۶ میلیون	سودان جنوبی ۲,۴ میلیون	میانمار ۱,۲ میلیون	سومالی ۹۸۶۴۰۰
۳,۱ میلیون نفر درخواست پناهندگی داده‌اند که از این میان ۱,۷ میلیون درخواست برای اولین بار داده شده است. این درخواست‌ها برای کشورهای زیر داده شده است:				
۳۳۱۷۰۰ درخواست در ایالات متحده آمریکا	۱۹۸۳۰۰ درخواست در آلمان	۱۲۶۵۰۰ درخواست در ایتالیا	۱۲۶۱۰۰ درخواست در ترکیه	

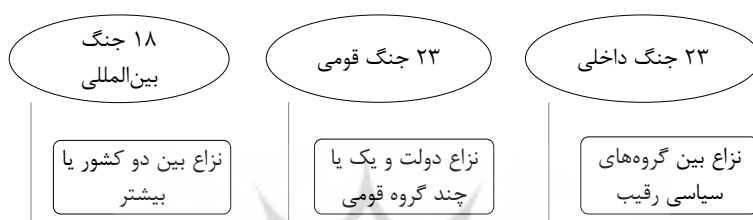
Source: UNHCR, Global Trends (Forced Displacement in 2017:2-3; Migration and Remittances, 2018, World Bank Group: 11)

تحولات سیاسی بین‌المللی ناشی از جنگ جهانی اول و دوم، موجب دگرگونی اساسی جغرافیای سیاسی خاورمیانه شد و این منطقه دارای ساختاری پیچیده کرده است (Hafeznia et al, 2019: 23-25). معاهده سور در ۱۹۲۰، لوزان در ۱۹۲۳ و معاهده ۱۹۲۶ موصل، ترتیبات ارضی این منطقه را ترسیم کرده است (Abolhassan Shirazi et al, 2012: 35-36).

از سوی دیگر، رقابت قدرتی متأثر از بنیان‌های ژئوپلیتیکی (Kazemi, 2016: 148) و نیروهای تأثیرگذار بر آن متعدد و متکثر بوده و قانونی‌ترین فضای تحولات ژئوپلیتیک جهان را شکل داده است، به گونه‌ای که جنوب غرب

آسیا، پتانسیل تولید بحران را در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در هر زمان دارد (Kaviani et al, 2018: 27-30; Roumina, 2015: 55-69; Sardarnia, 2013: 238-246). در فضای مورد مطالعه (جنوب غرب آسیا)، در فاصله سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۴۶، ۶۴ جنگ و درگیری رخ داده است (شکل ۲).

شکل (۲): تعداد جنگ‌ها در منطقه خاورمیانه



(Source: systemicpeace.org)

۲. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. توصیفی به این دلیل که وضعیت مهاجران و پیامدهای این شرایط را در اروپا مورد ارزیابی قرار داده است و بر این مبنا تحلیلی است که شرایط موجود و پیامدهای برخاسته از آن را با تکیه بر منطقه عقلی مورد تحلیل قرار داده است. شیوه تحلیل کیفی است که در آن اطلاعات جمع‌آوری شده، بر مبنای رفتار انسانی و بر پایه کنش رفتار ناشی از حضور جمعیت مهاجر در کشورهای مقصد مورد تحلیل قرار گرفته است. این شیوه تحلیل کیفی بر نوعی تفسیر کل‌نگر تأکید می‌کند که واقعیت‌ها و ارزش‌های شکل گرفته در جامعه میزبان را به صورتی غیرقابل تفکیک و آمیخته با یکدیگر در نظر می‌گیرند.

۳. چارچوب نظری تحقیق

مهاجران بین‌المللی دارای چهار نوع؛ مهاجران نیروی کار، مهاجران برگشتی، مهاجران زنجیره‌ای و مهاجران اجباری هستند که نوع آخر بعنوان موضوع مورد مطالعه این پژوهش است. مهاجران اجباری افرادی هستند که به عنوان پناهنده، پناهنده و آواره نقل مکان می‌کنند. آنان به دلیل چالش‌های مبدأ، هیچ گزینه دیگری جز مهاجرت ندارند. عنصر اجبار، شامل تهدیدات جانی و معیشتی است که ناشی از عوامل طبیعی و یا انسانی مانند پناهندگان سیاسی، آوارگان بلایای

طبیعی، فجایع شیمیایی یا اتمی، قحطی یا پروژه‌های توسعه، سرکوب دولت، خشونت فراگیر یا جنگ داخلی صورت می‌گیرد (Wickramasinghe and Wimalaratana, 2016: 16-17). Hanlon and Vicino, 2015: 16). هرچند مهاجران اجباری با انگیزه‌های زیادی در جستجوی فضا برای رهایی از شرایط مبدا هستند، اما فضای میزبان نمی‌توان بعنوان فضای ایستا در نظر گرفت که مفعول کنشگری مهاجران قرار گیرد. فضای میزبان با شدت و ضعف متفاوت دارای هویت بوده و این هویت برآیند عملکرد عناصر کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی است که بعنوان یک نیروی پویا در امور انسانی عمل کرده و در وضعیتی ایستا و مطلق نسبت به حوادث و فرآیندها ندارد (Hafeznia et al, 2019: 4). یکی از کنش‌های فضایی در مقصد مهاجرت، کنش‌های سیاسی جامعه میزبان است که شامل اقدامات به شرح زیر باشد (جدول ۴).

جدول (۴): پیامدهای مهاجرت

کشور مقصد	کشور مبدا
پیامدهای مثبت	
استفاده از متخصصین بدون پرداخت هزینه آموزش آن جذب مغزها رفع مشکل کمبود جمعیت رشد اقتصادی انجام فعالیت‌هایی که بومیان تمایلی به انجام آن‌ها ندارند. مانند تهیه غذا، مراقبت از سالمندان، انجام امور روزمره منزل	کمک به رشد و توسعه اقتصادی از طریق وجوه ارسالی رفع مشکل بیکاری کند شدن روند رشد جمعیت بالا رفتن دستمزد کارگران به علت کم شدن متقاضیان کار ایجاد و یا بهبود روابط فرهنگی، تجاری و ... با کشورهای مقصد مهاجران
پیامدهای منفی	
مشکلات موجود در راه ادغام مهاجران کاهش دستمزد نیروهای بومی برهم خوردن توازن قومی و مذهبی تغییر هرم جمعیت و افزایش جمعیت جوان تغییر ساختار جنسی و فزونی تعداد مردان نسبت به زنان حاشیه‌نشینی، بزهکاری‌های اجتماعی خارجی‌ستیزی و نژادپرستی مانند حمله به مهاجران و به آتش کشیدن خانه و کاشانه آن‌ها	فرار مغزها کمبود نیروی کار و در نتیجه کاهش رشد و بهره‌وری کاهش جمعیت مردان و در نتیجه کاهش ازدواج

Source: (Seifi and Khaleginejad, 2016: 139), (Zarqani et al, 2016), (Mansoor and Quillin, 2006), (Gheasi and Nijkamp, 2017), (Sajjadpour, 2005), (Eiman, 1990).

۴. محیط‌شناسی

عمده‌ترین مقصد مهاجران خاورمیانه، بویژه منطقه جنوب غرب آسیا، اروپا بوده است که دلایل چون نزدیکی جغرافیایی، نیاز اروپا به نیروی کار مهاجر (worldbank.org)، آزادی‌های دینی و مذهبی، شرایط اقتصادی مطلوب، ثبات سیاسی و غیره در این حرکات جمعیتی دخیل بوده است. منطقه مورد مطالعه که تأثیر این مهاجرات‌ها بر آنها مورد مطالعه قرار گرفته است، کشورهای اروپایی هستند. لذا محیط‌شناسی کل کشورهای اروپایی که دارای استناد علمی بوده‌اند مدنظر است. در جدول (۵) کشورهای مورد مطالعه همراه با برخی شاخص‌های جذابیت که مقصد مهاجران از خاورمیانه بوده‌اند آورده شده است.

جدول (۵): شاخص توسعه انسانی و صلح در کشورهای اروپایی

کشور	رتبه جهانی	شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی	سال‌های تحصیلی مورد انتظار	درآمد ناخالص ملی (دلار)	سطح توسعه انسانی	شاخص صلح جهانی
آلمان	۴	۰,۹۲۶	۸۱,۱	۱۷,۱	۴۵۰۰۰	بسیار بالا	۱۷
دانمارک	۵	۰,۹۲۵	۸۰,۴	۱۹,۲	۴۴۵۱۹	بسیار بالا	۵
هلند	۷	۰,۹۲۴	۸۱,۷	۱۸,۱	۴۶۳۲۶	بسیار بالا	۲۳
سوئد	۱۴	۰,۹۱۳	۸۲,۳	۱۶,۱	۴۶۲۵۱	بسیار بالا	۱۴
بریتانیا	۱۶	۰,۹۰۹	۸۰,۸	۱۶,۳	۳۷۹۳۱	بسیار بالا	۵۷
فرانسه	۲۱	۰,۸۹۷	۸۲,۴	۱۶,۳	۳۸۰۸۵	بسیار بالا	۶۱
بلژیک	۲۲	۰,۸۹۶	۸۱,۰	۱۶,۶	۴۱۲۴۳	بسیار بالا	۲۱
فنلاند	۲۳	۰,۸۹۵	۸۱,۰	۱۷	۳۸۱۶۸	بسیار بالا	۱۵
اتریش	۲۴	۰,۸۹۳	۸۱,۶	۱۵,۹	۴۳۶۰۹	بسیار بالا	۳
ایتالیا	۲۶	۰,۸۸۷	۸۳,۳	۱۶,۳	۳۳۵۷۳	بسیار بالا	۲۸
اسپانیا	۲۷	۰,۸۸۴	۸۲,۸	۱۷,۷	۳۲۷۷۹	بسیار بالا	۳۰
یونان	۲۹	۰,۸۶۶	۸۱,۱	۱۷,۲	۲۴۸۰۸	بسیار بالا	۷۹
لهستان	۳۶	۰,۸۵۵	۷۷,۶	۱۶,۴	۲۴۱۱۷	بسیار بالا	۳۲
مجارستان	۴۳	۰,۸۳۶	۷۵,۳	۱۵,۶	۳۳۳۹۴	بسیار بالا	۱۷
بلغارستان	۵۶	۰,۷۹۴	۷۴,۳	۱۵,۰	۱۶۲۶۱	بالا	۲۶

Source: (Human Development Report,2016:198-200; Global Peace Index,2018: 8-9)

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. مسلمانان اروپا

مسلمانان بخش مهمی از جمعیت و مشخصه دائمی چشم‌انداز ملی کشورهای اروپایی هستند (جدول ۶). این جمعیت مهاجر بیشتر در حاشیه‌ای شهرهای اروپایی مستقر شده و با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند (Mohseni, 2016: 167-167). جدول (۶) بیانگر مهاجران در اتحادیه اروپا است.

جدول (۶): مهاجران ورودی به کشورهای اروپایی بر اساس شهروندی و غیرشهروندی (۲۰۱۶)

کشور	کل مهاجران ورودی	شهروندان		غیر شهروندان	
		هزار نفر	درصد	هزار نفر	درصد
بلژیک	123.7	17.6	14.2	105.4	85.2
بلغارستان	21.2	9.3	43.6	12.0	56.3
دانمارک	74.4	19.7	26.5	54.6	73.5
آلمان	1,029.9	110.5	10.7	912.8	88.6
یونان	116.9	30.7	26.3	86.1	73.7
اسپانیا	414.7	62.6	15.1	352.2	84.9
فرانسه	378.1	137.2	36.3	240.9	63.7
ایتالیا	300.8	37.9	12.6	262.9	87.4
مجارستان	53.6	29.8	55.6	23.8	44.4
هلند	189.2	42.5	22.5	144.8	76.5
اتریش	129.5	9.8	7.5	119.6	92.4
لهستان	208.3	105.4	50.6	102.9	49.4
فنلاند	34.9	7.6	21.9	26.9	77.0
سوئد	163.0	20.0	12.3	142.5	87.4
بریتانیا	589.0	74.2	12.6	514.8	87.4

(Source: ec.europa.eu/eurostat)

بر مبنای درخواست‌های ورودی مهاجران در چند دهه اخیر، درصد قابل توجهی از جمعیت کشورهای اروپایی را جمعیت مسلمان تشکیل می‌دهد. بر مبنای روندهای مهاجرتی کنونی و

رشد طبیعی جمعیت ناشی از زادوولد، پیش‌بینی افزایش جمعیت مسلمانان در بین کشورهای اروپایی برای سال ۲۰۵۰، بر اساس جدول (۷) خواهد بود.

جدول (۷): جمعیت مسلمان کشورهای اروپایی (هزار نفر)، بر اساس سطوح مهاجرت برای سال ۲۰۵۰

کشور	در صورتی که میزان مهاجرت صفر باشد		در صورتی که میزان مهاجرت متوسط باشد		در صورتی که میزان مهاجرت بالا باشد	
	هزار نفر	درصد	هزار نفر	درصد	هزار نفر	درصد
فرانسه	۸۶۰۰	۱۲,۷	۱۲۶۳۰	۱۷,۴	۱۳۲۱۰	۱۸
بریتانیا	۶۵۶۰	۹,۷	۱۳۰۶۰	۱۶,۷	۱۳۴۸۰	۱۷,۲
آلمان	۵۹۹۰	۸,۷	۸۴۸۰	۱۰,۸	۱۷۴۹۰	۱۹,۷
ایتالیا	۴۳۵۰	۸,۳	۷۰۵۰	۱۲,۴	۸۲۵۰	۱۴,۱
اسپانیا	۱۸۸۰	۴,۶	۲۶۶۰	۶,۸	۲۸۱۰	۷,۲
هلند	۱۵۱۰	۹,۱	۲۲۰۰	۱۲,۵	۲۷۹۰	۱۵,۲
بلژیک	۱۲۵۰	۱۱,۱	۲۰۵۰	۱۵,۱	۲۵۸۰	۱۸,۲
سوئد	۱۱۳۰	۱۱,۱	۲۴۷۰	۲۰,۵	۴۴۵۰	۳۰,۶
بلغارستان	۷۰۰	۱۲,۵	۵۰۰	۹,۲	۶۵۰	۱۱,۶
یونان	۵۹۰	۶,۳	۷۰۰	۸,۱	۸۶۰	۹,۷
اتریش	۷۵۰	۹,۳	۹۶۰	۱۰,۶	۲۱۲۰	۱۹,۹
فنلاند	۲۲۰	۴,۲	۷۲۰	۱۱,۴	۹۹۰	۱۵
دانمارک	۴۳۰	۷,۶	۷۷۰	۱۱,۹	۱۱۰۰	۱۶

Source: (Pew Research Center, Nov29,2017. uuropess Growing Muslim Population:8,9,10)

۲-۵. قدرت‌گیری احزاب راست افراطی

بر اساس گزارش آژانس اتحادیه اروپا برای حقوق اساسی، واکنش‌های نژادپرستانه در قبال پناهندگان، پناهجویان و مهاجران در سال ۲۰۱۶، در سراسر اتحادیه اروپا دیده شده است. این اعمال دربرگیرنده سخنرانی‌ها، رفتارها و جرایم بر پایه نفرت بوده است. ورود بیشتر مسلمانان در یک دهه اخیر باعث گسترش فعالیت‌های گروه‌ها و احزاب راست و طرفداران آنان در اروپا شده است. اگرچه گسترش فعالیت گروه‌ها و احزاب راست در اروپا متأثر از عوامل مختلفی است، لیکن مهاجران و نحوه برخورد و یا مدیریت آنها نیز در رشد این احزاب در یک دهه اخیر تأثیر زیادی داشته است که در زیر برخی از پیامدهای این مسأله آورده شده است:

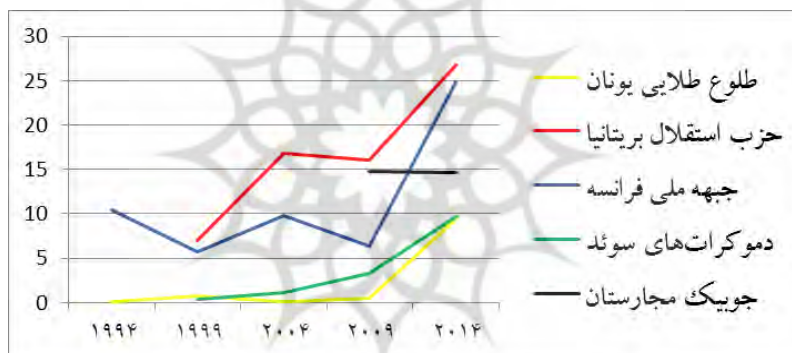
1. European Union Agency for Fundamental Rights

۱-۲-۵. دگرگونی در الگوی رای

کسب آراء انتخاباتی از دیگر اهدافی است که احزاب راست افراطی در ستیز با مهاجران دنبال می‌کنند. سیاستمداران این جریان با اتخاذ مواضع ضد مهاجرتی، توانسته‌اند نظر مردم را جلب کرده و خود را حامی هویت و رفاه ملی ملت‌شان مطرح کنند. تسری بیگانه‌هراسی، وجود خارجی‌ها در کشور که مخل امنیت و یکپارچگی ملی هستند در کمپین‌های انتخاباتی، این ترس را در وجود رای‌دهندگان نهادینه می‌کنند که ادامه سیاست‌های مهاجرتی احزاب مستقر در قدرت، فرهنگ، هویت و حاکمیت ملی را تضعیف می‌کند (Dehshiri and Ghasemi, 2018: 62).

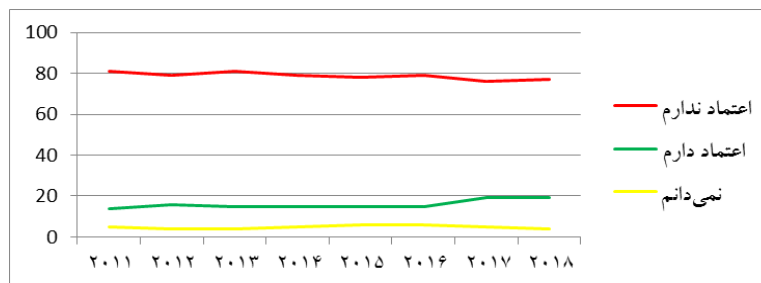
شکل (۳) توجه به احزاب راست را در برخی از کشورهای اروپایی نشان می‌دهد.

شکل (۳): نمودار درصد موفقیت احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا در برخی از کشورها



پشتیبانی انتخاباتی یا آرای بخشی از رای‌دهندگان به احزاب راست رادیکال ناشی از بدبینی آن‌ها به احزاب اصلی است. «بتز» بر این نظر است که در بیشتر دموکراسی‌های غربی، بخشی از شهروندان اعتماد چندانی به نهادهای سیاسی ندارند زیرا نهادهای موجود در راه اتخاذ راه‌حل‌های پایدار برای رفع مشکلات مهم جامعه ناتوان بوده و در مقابل خواسته‌ها و مطالبات مردم چندان پاسخگو نیستند (Sardarnia and Khalilah, 2007: 198). نتایج نظرسنجی صورت گرفته توسط یوروبارومتر نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد از شهروندان اتحادیه اروپا به احزاب سیاسی اعتماد ندارند (شکل ۴).

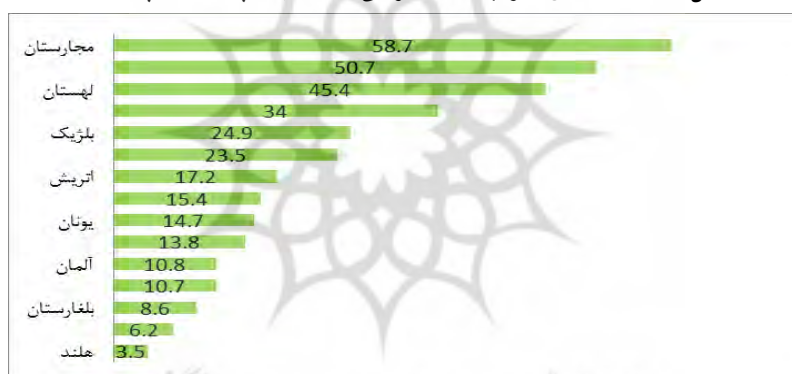
شکل (۴): نمودار درصد اعتماد به احزاب سیاسی



(Source: eurobarometer)

از سوی دیگر درصد آرای احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۱۹ نشان‌دهنده پیشتازی احزاب راست و تغییر الگوی رای‌دهی در بین کشورهای مورد نظر دارد (شکل ۵).

شکل (۵): درصد آرای احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۱۹



۲-۲-۵. اعمال خشونت و تبعیض

قدرت‌یابی احزاب راست‌گرای افراطی همراه با افزایش پایگاه اجتماعی و قدرت سیاسی، بستر تشویق و تحریک شهروندان به اعمال خشونت را فراهم می‌کند. حمله گروه‌های شورشی مرتبط با احزاب راست افراطی، به پناهجویان و مهاجران در بلغارستان، فنلاند، آلمان، مجارستان (Fundamental Rights Report, 2017:79) و شکل‌گیری گروه نئونازی در سال ۲۰۱۱ در کشور آلمان و همچنین اقدامات خشونت‌آمیز هواداران حزب طلوع طلایی در کشور یونان، نمونه‌هایی از این موارد است (Majidi and Hatamzadeh, 2016:447).

بر اساس گزارش آژانس اتحادیه اروپا برای حقوق اساسی، پناهندگان، پناهجویان و مهاجران همچنان هدف تبعیض نژادی و بیگانه‌هراسی هستند. در آلمان، در فاصله بین ۱ ژانویه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶، ۲۵۴۵ جرم، جنایت و حمله با انگیزه نژادپرستانه، نسبت به پناهجویان و پناهندگان ثبت شده است. همچنین ۹۸۸ حمله به اقامت‌گاه‌های پناهجویان و ۲۱۷ حمله به سازمان‌های امدادگران و یا افراد داوطلب صورت گرفته است. تقریباً تمام افرادی که مرتکب این حملات شده‌اند از طرفداران احزاب راست افراطی بودند. در سال ۲۰۱۵، در هلند ۵۳ حمله به پناهندگان با انگیزه‌های نژادپرستانه صورت گرفته است. در فنلاند در سال ۲۰۱۵، ۱۵ حمله (از جمله آتش‌سوزی عمدی) به مراکز پذیرش پناهجویان صورت گرفته است. فعالان حقوق بشری، سیاست‌مداران و روزنامه‌نگارانی که به نوعی طرفدار پناهندگان محسوب می‌شوند، در سال ۲۰۱۶ توسط طرفداران احزاب راست افراطی مورد حمله قرار گرفته‌اند (Fundamental Rights

Report 2017: 79-80)

۳-۲-۵. مخالفت با همگرایی اروپایی و تأکید بر ملی‌گرایی

مخالفت با مهاجرت به عنوان ویژگی اصلی احزاب راست است. به موازات گسترش اتحادیه اروپا و افزایش میزان مهاجرت به کشورهای این اتحادیه پتانسیل رشد احزاب راست افراطی بیشتر شده است. در چینی شرایطی، احزاب راست افراطی خط‌مشی بیگانه‌هراسانه و مهاجرت‌ستیزانه در پیش گرفته و مهاجران خارجی را مسئول وجود بیکاری و عامل رشد جنایت در کشور خود می‌دانند (Ayubi and Nourbakhsh, 2013: 89). آنان مهاجران را در سه زمینه به عنوان تهدید می‌نگرند:

≠ در بعد فرهنگی، مهاجرت به عنوان تهدیدی برای همگونی و انسجام فرهنگی

کشورهای مهاجرپذیر هستند و نمی‌توانند در فرهنگ کشور میزبان جذب شوند؛

≠ در بعد امنیتی، مهاجران و جرایم به یکدیگر پیوند دارند. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و

اقدامات تروریستی در لندن و مادرید سبب شد که مهاجرت به تروریسم پیوند بخورد.

≠ در حوزه اقتصادی، مهاجران فرصت‌های شغلی از شهروندان اروپایی را

می‌گیرند (Majidi and Hatamzadeh, 2016: 451).

بدبینی به اتحادیه اروپا در گفتمان راست افراطی از اهمیت زیادی برخوردار است. آنها تشدید این فرآیند را مخالف با آرمان‌های ملی و میهن‌پرستی می‌دانند. از نگاه راست افراطی، یکپارچگی اروپا، هویت‌های هر ملت و مرزهای کشورها را تضعیف کرده و ریشه‌های حاکمیت ملی را سست می‌کند (Dehshiri and Ghasemi, 2018:58). احزاب راست افراطی در ارتباط با همگرایی اتحادیه اروپا از سه الگو جدول (۸) پیروی می‌کنند:

جدول (۸): الگوی مخالفت راست افراطی با همگرایی اروپایی

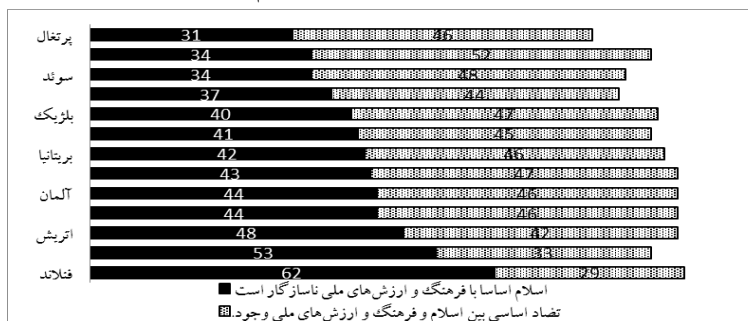
ابعاد همگرایی اروپایی				الگوهای مخالفت
واحد سیاسی اروپایی	همکاری‌های سیاسی	مبانی همکاری	اشتراک فرهنگی	
مخالف	مخالف	مخالف	موافق	مخالفت کامل
مخالف	مخالف	موافق	موافق	موافقت مشروط
مخالف	موافق	موافق	موافق	مصالحه

همانطور که ملاحظه می‌شود، تمام احزاب راست افراطی با ایجاد یک واحد یکپارچه سیاسی به نام اتحادیه اروپا مخالف هستند و معتقدند که حاکمیت و استقلال ملی دولت‌ها همچنان باید حفظ گردد (Majidi and Hatamzadeh, 2016:452). ساده‌ترین شکل آن بروز ملی‌گرایی و گرایش به هویت ملی شهروندان در اروپا است.

۴-۲-۵. تضاد ارزشی با اسلام و مسلمانان

نظرسنجی «موسسه تحقیقاتی پیو» نشان می‌دهد که به طور متوسط در هر کشور اروپایی نیمی از افراد معتقدند که اساساً با فرهنگ و ارزش‌های ملی آن‌ها ناسازگار است.

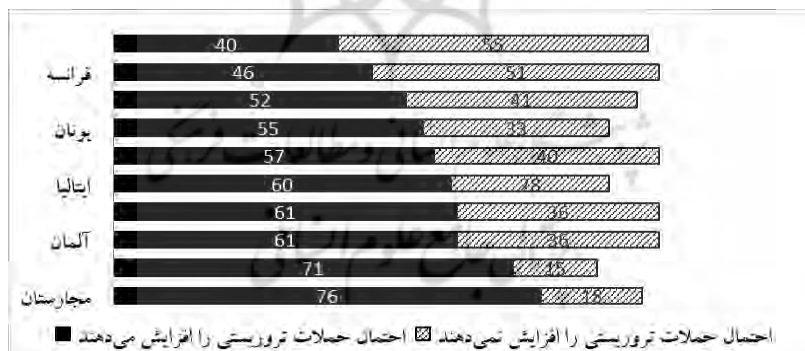
شکل (۶): نمودار نظرسنجی درباره تضاد اسلام و ارزش‌های اروپایی (۲۰۱۷)



Source: (Pew Research Center, 2018, “ee nrg hh ttt nnnnn Weeeennuu ope: 66)

سیاست «به دنبال دشمن» توسط احزاب راست افراطی بیش از سایر احزاب دنبال می‌شود. این احزاب به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسلمانان را، که تشکیل دهنده بخش عمده‌ای از مهاجران در کشورهای اروپایی هستند، به عنوان تهدیدی علیه امنیت و ارزش‌های کشورهای اروپایی معرفی می‌کنند (Majidi and Hatamzadeh, 2016:448). بر اساس نظرسنجی که در ده کشور اتحادیه اروپا صورت گرفته، به طور میانگین ۵۹ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بوده‌اند که حضور پناهندگان در کشورشان، احتمال حوادث تروریستی را افزایش می‌دهد (شکل ۷).

شکل (۷): نمودار نظرسنجی درباره ارتباط پناهندگان با حملات تروریستی (۲۰۱۶)



Source: (Eller, 2017: P 21)

۵-۲-۵. کم‌رنگ شدن زمینه‌های همگرایی در اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا را می‌توان به نوعی مصداق عبارت «وحدت در عین کثرت» دانست، چرا که این مجموعه وحدت طلب و همگرا در عین حال دارای گرایش‌ها و گرایانه و گریز از مرکز بوده و کلکسیونی متعدد، متنوع و متکثر در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. در میان مجموعه‌های معاصر مدعی همگرایی، اتحادیه اروپایی همگراترین و موفق‌ترین مجموعه موجود است. کشورهای اروپایی دارای پیوستگی جغرافیایی و اقلیمی، همجواری سرزمینی، اتصال و پیوستگی تاریخی، هم‌بنیانی فرهنگی، ریشه‌های مشترک مسیحی، در هم تنیدگی و ادغام جمعیتی، و مشترکات اجتماعی هستند (Karimi, 2008: 691-692).

اتحادیه اروپا با ۲۸ کشور، سومین گروه‌بندی بزرگ جهان را تشکیل داده است و با برخورداری از یک چهارم ثروت و درآمد جهانی، بزرگترین مرکز تجاری و از قطب‌های فن‌آوری، سرمایه‌گذاری، مالی و اعتباری شاخص نظام بین‌الملل به شمار می‌آید. کشورهای عضو این اتحادیه بزرگترین جامعه دیپلماتیک را در اختیار داشته و با دارا بودن دو کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل و عضویت در گروه هشت کشور صنعتی و دیگر گروه‌بندی‌های مهم جهانی، نقش اثرگذاری در هنجارسازی و سیاست‌گذاری در بسیاری از نهادها و سازمان‌های اقتصادی، تجاری، مالی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی بر عهده دارد. با این همه، بحران‌ها و چالش‌های اتحادیه اروپا در عرصه‌های بین‌اروپایی و بین‌المللی از آغاز سده بیست و یکم، گویای شکاف و فاصله ژرف میان نظریه و سیاست‌گذاری هویت‌اروپایی با واقعیت‌های موجود است (Moullaei, 2008: 291).

بنیان‌گذاران همگرایی اروپایی با علم بر این شکاف‌های هویتی و آسیب‌زا بودن گرایش‌های شدید ملی، سعی نمودند تا با تمرکز بر روی منافع مشترک اقتصادی، عامل اصلی تفرقه و جنگ افروزی را در آن قاره کهن به حاشیه روابط کشورها و ملت‌ها برانند (Mehraban, 2018: 89). روند همگرایی اروپایی در فضایی شکل‌گرفت که در آن ضرورت بازسازی اقتصادی، حفظ امنیت اروپای غربی از طریق موازنه‌سازی و جلوگیری از ناسیونالیسم افراطی احساس می‌شد. بر این اساس، عوامل اقتصادی و ژئوپلیتیکی انگیزه‌ای قوی برای شکل‌گیری، تداوم و تعمیق این

روند فراهم آوردند و به هویت مشترک اروپایی شکل دادند. این عوامل از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ به قوت خود باقی بودند. اما با فروپاشی بلوک شرق (از بین رفتن دشمن مشترک) و نیز بروز بحران‌های مالی و اقتصادی، عوامل زمینه‌ساز همگرایی به شدت تضعیف شدند که این امر به تدریج در دهه نخست قرن ۲۱ خود را نشان داد. در واقع، روند همگرایی که با انگیزه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی به راه افتاده بود و نیز می‌توانست تامین‌کننده منافع اقتصادی کشورها و دستیابی آنها به رفاه باشد، در مواجهه با بحران اقتصادی و تغییر در شرایط ژئوپلیتیکی در حوزه اقتصادی و نیز در حوزه سیاسی - امنیتی به موانع قابل توجهی برخورد کرد و حرکت آن بسیار کند گردید یا متوقف شد (Ezadi, 2013: 203). بر اساس نظرسنجی یوروبارومتر، در سال ۲۰۱۸، ۵۵ درصد از افراد خودشان را در درجه اول ملی و سپس اروپایی می‌دانند. همچنین شمار افرادی که صرفاً خود را با هویت ملی‌شان می‌شناسند، ۳۵ درصد بوده است که رقم قابل توجهی است.

شکل (۸): نمودار دیدگاه شهروندان اروپایی نسبت به سطح وابستگی



Source: (eurobarometer)

از سوی دیگر، هویت ملت‌های عضو اتحادیه اروپا دربرگیرنده دو شاخص مهم دین و فرهنگ مبتنی بر سکولاریسم است. فرهنگ مبتنی بر سکولاریسم به عنوان لایه اصلی هویت مشترک اروپایی به شمار می‌رود و نقش بنیادین را در همگرایی اتحادیه اروپا داشته و معیار اصلی در پذیرش اعضای جدید در این اتحادیه بوده است (Abolhassan Shirazi and Niko, 2015: 16-18). در این چارچوب، موضوع مهاجرت به مثابه چالشی علیه فرهنگ و هویت ملی کشورهای اروپایی نگریسته می‌شود. تقابل بین هویت اسلامی و هویت اروپایی در بسیاری از کشورهای

اروپایی وارد مرحله نوینی شده است و این تقابل بُعد «ایدئولوژیکی» به خود گرفته است. به علاوه تأکید مهاجران بر هویت فرهنگی شان نه تنها تقابل و اصطکاک ارزش‌ها را به دنبال دارد و اروپا را دستخوش یک بحران «امنیت فرهنگی» می‌کند، بلکه روند یکپارچگی با جامعه میزبان را نیز با چالش مواجه می‌سازد. برآیند این طیف از سایش‌ها، محرومیت اجتماعی، بیکاری و قدرت گرفتن احزاب و گروه‌های راست افراطی، به حاشیه راندن پناهیجویان است، که این موضوع فی‌الذمه زمینه را برای جذب آنها در گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی فراهم می‌سازد و متعاقباً امنیت ملی کشورها را به خطر می‌اندازد. در واقع، این گروه از پناهندگان برای جبران هویت اسلامی تضعیف شده‌شان با پیوستن به جریان‌های رادیکال سعی در بازسازی هویتی خویش دارند (Ekhtari Amiri et al, 2019: 90-91).

۶. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

بین فضاهای باثبات و پایداری جمعیت رابطه وجود دارد. فضاهای باثبات علاوه بر تمرکز جمعیت، تمرکز ثروت و سرمایه را شکل خواهد داد. چنین فضاهایی عموماً از امنیت و ثبات و صلح برخوردارند. برعکس فضاهای بدون امنیت انسان‌گریز و سرمایه‌گریز هستند. هر فضایی که ناامنی در آن شکل گیرد باشندگان آن به فضاهای امن حرکت خواهند کرد. یعنی ساکنان فضاهای ناامن در جستجوی امنیت جانی و مالی خود به فضاهای امن حرکت می‌کنند. بررسی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فقدان چشم‌اندازی امیدبخشی همراه با جنگ و منازعات طولانی در خاورمیانه در ناپایداری و ناکارآمدی سیستم‌های سیاسی تأثیرگذار است و فضای این منطقه را با ناامنی مواجه ساخته‌اند. شهروندان این منطقه با انواع مخاطرات طبیعی و انسانی مواجه‌اند. در یک دهه اخیر افزایش ناامنی و مخاطرات منطقه‌ای بر جابجایی‌های جمعیتی از خاورمیانه به اروپا بعنوان فضای امن تأثیرگذار بوده است. همزمان با آغاز ناآرامی‌های سوریه در سال ۲۰۱۱ و متعاقب آن، قدرت گرفتن داعش در منطقه و اشغال بخش‌هایی از خاک عراق و سوریه از سوی دیگر، موج جدیدی از مهاجرت و پناهندگی از خاورمیانه، آغاز شد. این موج جدید، پیامدها و بازتاب‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی، امنیتی و سیاسی را در کشورهای اروپایی و نیز کلیت اتحادیه اروپا در پی داشته است. ادغام مهاجران در جوامع میزبان

نیز همراه با چالش‌های همچون افزایش جمعیت مهاجران، بالا بودن نرخ باوری آن‌ها، روند افزایشی کسب تابعیت کشورهای اروپایی توسط مهاجران مسلمان و در نتیجه برخورداری از حقوق سیاسی کامل، موجبات افزایش وزن ژئوپلیتیکی مهاجران مسلمان و قدرتمندتر شدن آن‌ها در آینده فراهم خواهد آورد. این عوامل در شکل‌گیری برخی احزاب راست و یا قدرت‌گیری آنها تاثیرگذار بوده است که نمودهای آن را در انتخابات ملی کشورهای اروپایی می‌توان رهگیری کرد. بحران مهاجرت نشانگر ناتوانی جامعه میزبان در همگرایی اجتماعی و ادغام مهاجرین در نظام اجتماعی این قاره است. به بیان دیگر بحران‌های اجتماعی و تنش‌های نژادی و قومی در کشورهای اروپایی و بن‌بست سیاست‌های شهروندی و ادغام اجتماعی مهاجرین غیراروپایی در اتحادیه اروپا، نشان‌دهنده این مساله است که سیاست‌های جاری پاسخگویی الزامات جامعه چندفرهنگی اروپا نبوده و این حوزه هنوز از توان لازم برای پاسخگویی به مسائل مربوطه ندارد. حساسیت شهروندان اروپایی نسبت به شهروندان بر ارتقاء جایگاه احزاب راست تاثیرگذار بوده است. آنان از حضور پرشمار مهاجران اکثرا مسلمان، نگرانند و حضور آن‌ها را تهدیدی علیه هویت اروپایی خود می‌دانند. به همین دلیل اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی شدت یافته است. تبلیغات رسانه‌ای و گروه‌ها و احزاب راست بر این ترس دامن زده و با بیان اینکه هویت اسلامی و اروپایی اساسا با یکدیگر متضاد هستند، مسلمانان را عامل تضعیف هویت ملی‌شان معرفی می‌کنند. از سوی دیگر با افزایش جمعیت مهاجران مسلمان و عدم ادغام صحیح آن‌ها در جامعه میزبان، ممکن است این اجتماعات مانند اجتماعات فروملی به محله‌های خاص خود پناه برده و با تشکیل احزاب مسلمان، چالش‌های را برای جامعه میزبان بوجود آورند که در حال حاضر، حساسیت جامعه میزبان را شکل داده و احزاب راست آنها را بعنوان پدیده مخاطره‌آمیز جامعه اروپایی معرفی می‌کنند.

تغییر در الگوهای رای‌دهی و گرایش بیشتر به احزاب راست افراطی در دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای اروپایی شکل گرفته است. این احزاب رویکردهای ضد مهاجرتی را به سرمایه سیاسی و انتخاباتی خود تبدیل کرده و به این واسطه در سال‌های اخیر توانسته‌اند در دولت‌های ائتلافی برخی کشورهای اروپایی مشارکت کنند. نژادپرستی، ضدیت با مهاجران، مخالفت با همگرایی

اروپا و اسلام‌ستیزی از ویژگی‌های بارز راست افراطی است. این احزاب حضور پرشمار مسلمانان در کشورهای اروپایی را تهدیدی علیه هویت اروپایی دانسته و به نیروی سیاسی اثرگذاری در معادلات سیاسی اروپا تبدیل شده‌اند. قدرت‌گیری احزاب راست در اتحادیه اروپا، این اتحادیه را که الگوی مناسبی در مسیر همگرایی و تعامل بین تفاوت‌های بسیار در یک قاره را شکل داده است با مخاطره مواجه خواهد ساخت. از سوی دیگر، قدرت‌گیری این احزاب و حضور آنها در قالب ساختار اتحادیه اروپا با رویکردهای افراطی، احتمالاً فعالیت آنها در قالب ساختارهای قانونی و رسمی در مسیر فشار بر مهاجران و اتخاذ سیاست‌های مشترک مهاجرتی قرار گرفته و فشار بر مهاجران تشدید گردد.

۷. قدرت‌دانی

نگارندگان از دانشگاه تربیت مدرس جهت فراهم نمودن شرایط لازم در به انجام رساندن این پژوهش تشکر می‌نمایند.

References

1. Abolhassan Shirazi, H.; Niko, H. (2015), The Role of Culture in European Common Identity and EU Integration. *Journal of International Relations Studies*. No. 29. Pages 1- 21. **[In Persian]**
2. Abolhassan Shirazi, H.; Others (2012), *Politics and Government in the Middle East*. Second edition, Tehran: Samt. **[In Persian]**
3. Ardalan, Asad (2008), *Diplomatic Asylum*. *Foreign Policy Quarterly*. Vol 21, No. 3. Pp. 980-980.
4. Ayubi, H; Nourbakhsh, S.N (2013), strengthening the far right in Europe. *Journal of International Relations*. Volume 6. No. 23. pp. 119-77. **[In Persian]**
5. Dehshiri, M. R; Ghasemi, R. (2018), The Four Crises and the Rise of the Right in Europe. *Journal of International Relations Research*. Vol. 1 No. 24. Pp. 78-45. **[In Persian]**
6. Dubey, S; Mallah, V (2015), *Migration: causes and effects*. *The Business & Management Review*. Volume 5. Number 4.
7. Eezadi. P (2013), The future of the European Union Affected by the current crisis. *Strategic Quarterly*. No. 67. pp. 181-206. **[In Persian]**
8. Eiman, M.T (1990), *Migration to Third World Countries: Theories, Research, and Framework*. *Journal of Literature and Language, Journal of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman*. No, 1. Pp. 186 - 164. **[In Persian]**
9. Ekhtiari Amiri, R; Rafi, H; Arefi, E (2019), Middle Eastern immigrants and European security. *Journal of International Relations Studies*. Vol 11, No. 42, Pp. 73-101. **[In Persian]**
10. Eller, L. L (2017), *Explaining the Rise of Far-Right Political Parties in Europe*. University of Tennessee.
11. *Fundamental Rights Report (2017)*. European Union Agency for Fundamental Rights. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
12. Hafeznia, M. R; Roumina, E; Ghaderi Hajjat, M. (2019), The Relationship between Human Structures and Cultural Areas in West Asia with Emphasis on Iranian Cultural Territory, *Journal of Political Geography Research*. V, 3, No 9, pp. 1-29. **[In Persian]**
13. Hafeznia, M. R; Ahmadipour Z.; Roumina, E. (2019). *Organization and Political Management In Iran*, Tehran: Samt. **[In Persian]**
14. Hanlon, B.; Vicino, T J. (2015), *Global Migration: the basics*, Translated by: Sheida Norouzi, Tehran: Foreign Ministry.
15. http://www.bbc.com/persian/world/2015/08/150829_116_migrants_description_words
16. <http://www.emigration.link/>

17. <http://www.unesco.org/new/en/social-and-human-sciences/themes/international-migration/glossary/migrant/>
18. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/migrant>
19. Karimi, H. (2008), The Position of the European Union in the Developing International System: Obstacles and Challenges, *Foreign Policy Quarterly*, Vol, 22, No. 3, fall. **[In Persian]**
20. Karimpour, Y; Rabiee, H.; Bazle, A. (2017), Explaining the Geographical Peace Foundations in the Middle East (Case Study: Iran, Turkey and Saudi Arabia), *Geopolitics Quarterly*, Volume: 13, No 3, Autumn, PP: 79-102. **[In Persian]**
21. Kaviani R. M; Others (2018), Explaining the Territory of Fundamentalist Organizations in Fragile States (Case Study: ISIL in Egypt), *Geopolitics Quarterly*, Volume: 13, No 1, spring, PP: 26-57. **[In Persian]**
22. Kazemi, Hojat (2017). Identity protests, fragile governments and geopolitical crises in the Middle East, *Geopolitics Quarterly*, Vol, 13, No 1, spring, PP: 146-172. **[In Persian]**
23. Majidi, M.R; Hatamzadeh, A. (2016), The Strength of Right-wing Groups in Europe; Causes and Consequences. *Journal of Politics*. Vol, 46. No. 2, pp. 441-456. **[In Persian]**
24. Mansoor, Ali M.; Bryce Quillin (2007), Migration and remittances: Eastern Europe and the former Soviet Union in: <https://www.google.com/url?>
25. Mehraban, A. (2018), National - local identities; A Factor for Divergence in the European Union. *Journal of Intercultural Studies*. Vol, 20, No. 32. Pp. 87-108. **[In Persian]**
26. Mehraban, A. (2011), the Phenomenology of Political Identity in the European Union. Doctoral thesis in Political Science. Allameh Tabatabai University. **[In Persian]**
27. Migration and Development Brief 29. April (2018). World Bank Group
28. Mohseni, A. (2016), Identity Backgrounds and Challenges to Muslims in Europe. *Journal of Political Studies in the Islamic World*. No. 20, pp. 175 - 155. **[In Persian]**
29. Moqadas, A. A.; Sharafi, Z. (2009), Investigating the Factors Influencing the International Migration of Young People of 18-30 Years in Shiraz and Arsanjan. *Iranian Journal of Sociology*. Vol, 10, pp. 190- 162. **[In Persian]**
30. Moullaei, A. (2008), Immigration and European Identity Policy. *Foreign Policy Journal*. Vol, 22, No 1, Pp. 39-66. **[In Persian]**
31. Pew Research Center. (2017) www.pewresearch.org
32. Pew Research Center. (2018) www.pewresearch.org

33. Qari Seyed Fatemi, M. (2009), Human Rights in the Contemporary World; Second Book: An Analytical Search for Rights and Freedoms. First Edition. Tehran: Institute of Legal Studies and Research of Danesh.
34. Roumina, Ebrahim (2015). Geopolitical regions of Southwest Asia based on civilization variable, Geopolitics Quarterly, Volume: 10, No 4, Winter 2015. **[In Persian]**
35. Sajjadpour, S. M. K. (2005), Conceptual and Frameworks in International Migration Management (Case Study of Iran). Geographical Research Quarterly. V, 20. No. 78. Pp: 30 - 9. **[In Persian]**
36. Salehi Amiri, S. R. (2009), Elite Immigration. Tehran: Strategic Research Institute of Cultural and Social Research Publications. **[In Persian]**
37. Sardarnia, Kh. (2007), The Sociological Explanation of the New Radical Right Populist Parties in Stabilized European Democracies (since the 1970s). Journal of Political Science, Vol, 2, No, 4, pp. 185-9. **[In Persian]**
38. Sardarnia, Kh (2013), An Introduction to Middle East Political Sociology. First Edition. Tehran: Mizan publishing. **[In Persian]**
39. Seifi, A.M.; Khaleginejad, M. (2016), Globalization and effects on labor migration. Foreign Policy Journal. Vol, 3 No, 3, Pp. 162-137. **[In Persian]**
40. Shabanlou, R (2001), Investigation of students' tendency to emigrate from tee ... tt ry. aa ttrr's Dggree in ooii olggy. lllll ly ff Hmiii tiss. Tarbitt Modares University. **[In Persian]**
41. Standard Eurobarometer 89. Spring (2018). Public opinion in the European Union. First results.
42. Tafreshi Motlagh, L (2010), Post-colonial Studies in Migration Literature. Journal of Political Science, Karaj Azad University. No, 10. Pp. 222 - 211. **[In Persian]**
43. United Nations. International Migration Report (Highlights). 2017.
44. United Nations. World Population (2017), Department of Economic and Social Affairs. Population Division.
45. Wickramasinghe, AAIN; Wimalaratana, Wijitapure. (2016), International Migration and Migration Theories. Social Affairs. Vol 1.No 5.
46. Zanjani, Habibullah (2001), Migration. Tehran: Samt. **[In Persian]**
47. Zarqani, S. H.; Mousavi, S. Z.(2013), International Migration and National Security. Strategic Studies Quarterly. Vol 6, No. 1, Pp. 7-26. **[In Persian]**
48. Zarqani, S. H.; Sojasi Qidari, H.; Mousavi, S. Z. (2016), An Introduction to Immigration and Security. First Edition. Tehran: Iranian Geopolitical Society. **[In Persian]**